

بررسی وضعیت حقوقی اقلیت کرد در ترکیه در پرتو حقوق بین الملل و از منظر قانون اساسی آن کشور

محمد صدیق کبودوند^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور مرکز بین المللی عسلویه

چکیده

اقلیت های قومی، زبانی، مذهبی و نژادی مختلفی در ترکیه زندگی می کنند. یکی از این اقلیت ها قوم کرد است که به عنوان بزرگترین اقلیت قومی و زبانی این کشور با مبارزات و تلاش هایی که برای شناسایی رسمی و کسب حقوق خود طی دهه ها و سالیان اخیر داشته و هم اکنون نیز ادامه دارد، تبدیل به چالشی تاریخی، وجودی و حقوقی برای دولت ترکیه شده است. چالشی که دولت این کشور را مواجه با مشکلات و معضلات پیچیده سیاسی و امنیتی در داخل و فراتر از داخل نموده است. این مقاله تلاش خواهد کرد تا پس از نگاهی گذرا و اجمالی به ظرفیت های حقوقی و موضوعی حقوق بشر و بین الملل مرتبط با مقوله ی اقلیت ها، به بررسی حقوقی چالشی که در ترکیه به «مساله کرد» یا «واقیت کرد» از آن یاد می شود، بپردازد و از وضعیت حقوقی اقلیت کرد در آن کشور تصویری اولیه و البته تا حد امکان شفاف ارائه نماید. بدین منظور ابتدا با این پرسش ها مواجه می شویم که ؛ اسناد حقوق بین الملل بشر چه نوع حقوقی را برای اقلیت ها در نظر گرفته است؟ در این خصوص تامین و تضمین چه حقوقی را از دولت ها خواسته است؟ قانون اساسی دولت ترکیه نسبت به اقلیت های قومی غیر ترک چه نظری دارد؟ آیا این قانون موجودیت اقلیت های قومی، زبانی، نژادی و مذهبی را به رسمیت شناخته است؟ آیا حقوق خاص این اقلیت ها را مورد توجه قرار داده و آن را لحاظ نموده است؟ از این نظر وضعیت حقوقی اقلیت قومی- زبانی کرد در ترکیه به چه صورت است؟ این قوم در عمل از چه حقوق و رسمیتی برخوردار است؟ یافتن جواب این موارد در پاسخ اولیه به پرسش های مورد طرح، در ادامه مورد پی جویی قرار می گیرد.

واژه های کلیدی: اقلیت ها، حقوق بشر، قوم کرد ترکیه.

۱- مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم جنایاتی که بعضی از دولت‌ها علیه گروه‌های نژادی، دینی و ملی در طول جنگ مرتکب شده بودند. اقداماتی را از سوی سازمان ملل ضروری می‌ساخت، اما موضع سازمان ملل «در آن ایام و دهه‌های گذشته» مسکوت نگاه داشتن وضعیت اقلیت‌ها در نظام حقوقی بین‌المللی بوده است.^۱ و حمایت‌های این سازمان از جوامع در اقلیت و اقلیت‌ها چشمگیر و قابل توجه نبوده است. با این حال در تعداد زیادی از اسناد بین‌المللی و حقوق بشری، حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌ها مورد توجه و حمایت قرار گرفته است. از جمله این اسناد می‌توان به منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایات نسل‌کشی، کنوانسیون بین‌المللی حذف تمامی اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون حقوق کودک، اعلامیه حذف تمامی اشکال تعصب و تبعیض مبنی بر دین و عقیده و اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی اشاره کرد.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱ اقلیت‌ها در اسناد حقوق بین‌الملل و بشر

منشور ملل متحد، با آن که برخلاف میثاق جامعه ملل، مقوله‌ی اقلیت‌ها را مورد توجه ویژه قرار نداده است، با این حال حمایت از اقلیت‌ها را جزء اهداف سازمان ملل برشمرده است.^۲ در راستای چنین هدفی است که آن سازمان در یکی از اقدامات اولیه خود در کمیسیون حقوق بشر، «کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها» را تاسیس نموده و اگرچه این کمیسیون از سال ۱۹۹۹ به کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر، تغییر نام یافته است، اما ارگان فرعی آن به نام «گروه کاری اقلیت‌های ملل متحد» از سال ۱۹۵۵ به طور تخصصی و به صورت مستقیم، پرداخت به مساله حقوق اقلیت‌ها و منع تبعیض نسبت به آنها را در راس برنامه کاری و اجرایی خود قرار داده است.

اما در میان اسناد حقوق بشری، سندی که به طور خاص از حقوق اقلیت‌ها دفاع می‌کند، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۲۷ خود بسنده است که به حمایت از هویت فرهنگی و مذهبی و زبانی اقلیت‌ها توجه دارد. حق داشتن زندگی فرهنگی خاص خود، حق استفاده از زبان مخصوص خود و حق تبلیغ و اجرای فرایض دین مخصوص خود از جمله حقوقی است که این پیمان محروم کردن اقلیت‌ها را از آن، ممنوع کرده است. با الهام از مفاد ماده یاد شده است که اولین و بهترین سند بین‌المللی مختص اقلیت‌ها موسوم به بیانیه حقوق اقلیت‌ها در ۱۹۹۲ به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسیده است. نکته قابل توجه اینکه تنها رای منفی داده شده به این اعلامیه که مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی است، رای دولت ترکیه بوده است. این بیانیه ۹ ماده‌ای که به مثابه گامی بزرگ در راستای شناسایی حقوق اقلیت‌ها و حمایت حقوق بین‌الملل از آن، قلمداد شده، اگرچه ممکن است اعلامیه‌ای ارشادی و نه لزوماً الزام آور همانند کنوانسیون‌ها و دیگر اسناد تعهدآور محسوب شود، با این حال حاوی حقوق شناخته شده‌ای برای اقلیت‌ها است و اینکه کشورها باید قوانین مناسب و تدابیر دیگر را برای نیل به اهداف اعلامیه و تامین و تضمین حقوق اقلیت‌ها تصویب کنند. حق حفظ و حمایت از موجودیت و هویت ملی یا قومی، فرهنگی، دینی و زبانی اقلیت‌ها در سرزمین‌های خود، حق برخورداری از فرهنگ خاص خود، حق بهره‌مندی از زبان خاص خود، حق عمل به دین و مذهب خود، حق مشارکت موثر در زندگی فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی، حق مشارکت موثر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود، حق تشکیل و حفظ انجمن‌های خاص خود، حق تماس و ارتباط بدون تبعیض با اعضای گروه خود یا گروه‌های دیگر و حق تماس و ارتباط

^۱ نادر ذوالعین، حمایت از حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، اردیبهشت ۱۳۷۷ ص ۱۴۴

^۲ منشور ملل متحد، ماده یک، بند ۳

فرامیزی با شهروندان سایر کشورها که با آنان پیوندهای ملی یا قومی، دینی یا زبانی دارند از جمله ی حقوق شناخته شده برای اقلیت ها در این اعلامیه است. هم چنین طبق مفاد مواد بیانیه افراد متعلق به اقلیت ها می توانند به صورت انفرادی و یا در اجتماع با سایر اعضای گروه خود، حقوق خود را اعمال کنند.

ایجاد شرایط مناسب و تمهیدات لازم جهت توانمندسازی و توسعه فرهنگ، زبان، دین، سنت ها و رسوم آنها و فراهم آوری امکانات کافی برای یادگیری زبان اشخاص متعلق به اقلیت ها و حمایت و تشویق به شناسایی تاریخ، سنت ها، زبان و فرهنگ اقلیت ها از وظایف کشورها برشمرده شده و باید آنها سیاست ها و برنامه ریزی های لازم را در این خصوص اعمال و اجرا کنند. فارغ از آنچه که ذکر شد، می توان ادعان داشت که؛ اسناد حقوق بشری حمایت کافی را از اقلیت ها به عمل نمی آورند، زیرا اغلب به طور خاص به اقلیت ها اختصاص نیافته اند. از سوی دیگر اسنادی که به اقلیت ها اختصاص دارند، چندان قوی سازماندهی نشده اند.^۱ با این حال رویکرد سازمان ملل متحد به عنوان مهمترین سازمان حقوقی بین المللی در حال حاضر به سمت حمایت ماهوی از اقلیت ها و الزام دولت ها به لحاظ کردن این مسئله در قوانین خود بوده است.^۲ در همان حال باید خاطرنشان ساخت که، اکثر حقوقدانان شروع حرکت خود را در حوزه حق تعیین سرنوشت، به عنوان اصلی ترین مفهوم قابل طرح در بررسی موانع و راهبردهای پیاده سازی تبعیض مثبت به شکلی ماهوی نسبت به اقلیت ها قرار داده اند.^۳

۲-۲ اقلیت ها و حق تعیین سرنوشت

همانگونه که در اسناد منشور حقوق بشر مشهود است، ماده یک از میثاق حقوق مدنی و سیاسی و عیناً ماده یک از میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برحق تعیین سرنوشت تاکید نموده و اهمیت آن را خاطرنشان ساخته اند. در هر دو پیمان، حق تعیین سرنوشت به عنوان اساس و بنیان سایر حقوق بشر شناخته شده است. آنطور که از مفهوم ماده همسان هر دو میثاق برمی آید تمام مردمان، حق تعیین سرنوشت یا حق خودمختاری دارند. به واسطه این حق تمام مردمان این آزادی را دارند که وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را تعیین کنند و مطابق بند سوم از ماده اول میثاق ها، دولت های عضو میثاق مکلفند در تحقق بخشیدن خودمختاری و احترام گذاشتن به حق تعیین سرنوشت طبق مقررات منشور ملل متحد سرعت بخشند.

به هر حال آنچه مسلم است این است که حق تعیین سرنوشت از اصول بنیادی حقوق بشر بوده و حقی است فردی و جمعی جهت تعیین آزادانه وضعیت سیاسی و تعقیب آزادانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. دیوان بین المللی دادگستری حق تعیین سرنوشت را حق مردم می داند و نه صرفاً حق دولت ها. برخی از حقوقدانان برجسته این حق را جزء قواعد دستوری حقوق بین الملل می دانند و حق تعیین سرنوشت یکی از قواعد آمره در حقوق بین الملل می باشد.^۴ اما آنچه از میثاقین فهمیده می شود این است که در این مورد نامی از اقلیت ها برده نشده، بلکه دایره شمول حق تعیین سرنوشت محدود به «مردمان» است.

با وجود اینکه اسناد بین المللی، اشاره صریحی به حق تعیین سرنوشت اقلیت ها ندارند و این حق اصولاً برای حمایت از مردم تحت تبعیض که زیر نظر قدرتی خارجی قرار دارند وضع شده، می توان با تفسیری موسع و ایجابی آن را راهکاری برای کمک به اقلیت ها دانست. این دیدگاه در اعلامیه وین ۱۹۹۳ هم گنجانده شده است.^۵

^۱ حسین شریفی طرازکوهی، عبدالله قره باغی، تحلیل قاعده منع تبعیض نسبت به اقلیت ها در حقوق بین الملل، مجله حقوقی بین المللی، مرکز امور بین الملل ریاست

جمهوری، سال ۲۷، شماره ۴۲، سال ۱۳۸۹ ص ۴۲

^۲ همان منبع، ص ۴۸

^۳ همان منبع، ص ۴۹

^۴ همان منبع، ص ۵۰

^۵ همان منبع، ص ۵۱

جنبه بیرونی حق تعیین سرنوشت در واقع همان خودگردانی است، خودگردانی، حکومت بر خود یا خودمختاری نظامی است که در آن فضایی ایجاد می شود تا فرد یا گروه غیرحاکم بتواند فارغ از هرگونه دخالت بر سرنوشت خود حاکم شود. برخی حقوقدانان خودمختاری گروه های اقلیت را سازوکاری مناسب می دانند که از طریق آن دولت می تواند به تکلیف خود در اعطای حق تعیین سرنوشت به تمام مردمش عمل کند. این حقوقدانان خودمختاری را موجب توازن حقوق گروه های اقلیت با حقوق اکثریت حاکم می دانند.^۱

با عنایت به مراتب ذکر شده می توان گفت که حقوق بین الملل به طور صریح و شفاف حق خودمختاری اقلیتها را مورد اشاره قرار نداده است، اگرچه موارد معدود حق خودمختاری اقلیتها در اسناد حقوق بین الملل را نیز نباید نادیده گرفت.

۲-۳ اقلیت ها و قانون اساسی ترکیه

در ترکیه گروه های قومی و مذهبی متنوعی هم چون اکثریت ترک، کرد، لاز، آذری، ترکمن، گرجی، زازا، چرکس، عرب، یونانی، ارمنی، آشوری، کلدانی، یهودی، ایزدی^۲، علوی و مسلمان با شاخه های مذهبی مختلف آن، همچون سنی در اکثریت، وجود دارد. در گذشته ی این کشور، اقلیت ها بیشتر دینی شناخته می شده اند تا قومی، و متناسب با این شناخت برای آنها تصمیم گیری می شده است. در امپراتوری عثمانی همچون دولت های اسلامی پیش از آن، یونانیان، ارمنی ها، یهودیان و برخی شاخه های کوچکتر مسیحیت، سازمان های ویژه خود را داشتند و از امتیازات و حقوق ویژه ای بهره مند بودند. این حقوق و آزادی ها در جمهوری ترکیه مورد بازبینی قرار گرفت و محدود گردید. اما به هیچ رو ملغی نشد و همواره پذیرفته بود که اقلیتها حق دارند جایگاه مشخصی در جامعه داشته باشند. آنچه در امپراتوری عثمانی و در دوران جمهوری پیشینه نداشت، پا گرفتن گروه های قومی گوناگون در میان اکثریت مسلمان بود، حتی کاربرد واژه اقلیت در این مورد برای بسیاری از ترکها نا آشنا و گاه اهانت آمیز می نمود. اما تغییر نام رسمی کشور، دگرگونی های مهمی به بار آورده بود. عنوان عثمانی، مانند عنوان بریتانیایی مجموعه ای از هویت های قومی گوناگون را پوشش می داد، جایگزینی آن با عنوان ترک، دشواری های تازه ای را سبب شد.^۳ پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و در پایان جنگ جهانی اول، از باقیمانده آن امپراتوری، کشوری جدید تحت عنوان کشور مستقل جمهوری ترکیه اعلام موجودیت نمود. این کشور بر پایه دو پیمان «سور» و «لوزان» شکل گرفت. بویژه با پیمان لوزان در جولای ۱۹۲۳ حاکمیت ترکها تقریباً بر همه سرزمین جمهوری ترکیه کنونی اعاده گردید. تصور می رفت که می توان مسائل مربوط به هویت و مشروعیت را از طریق یک فرهنگ سیاسی جدید ناسیونالیستی در چارچوب دولت-ملت حل نمود.^۴ در این رابطه قانون اساسی اولیه ۱۹۲۱ با اضافاتی در سال ۱۹۲۴ مجدداً تدوین و تکمیل و به تصویب مجلس کبیر رسید. البته این قانون در سال های ۱۹۶۰، ۱۹۸۱، ۲۰۰۴ و ۲۰۱۱ مورد اصلاح و بازنگری مجدد قرار گرفته است. آخرین قانون اساسی ترکیه مربوط به سال ۱۹۸۲ است.

مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه تاکید اکید بر ترک و ملت کرد دارد، بطوریکه در هیچ یک از مواد آن ذکری از موجودیت و حقوق اقلیتها، بویژه اقلیت های قومی، زبانی و نژادی نشده است. در مقدمه این قانون چنین آمده است؛ این قانون تعیین کننده موجودیت ابدی ملت و وطن ترک و تمامیت جدایی ناپذیر دولت بزرگ ترک، در جهت اصول انقلاب و فهم ملی گرایی مؤسس جمهوری، رهبر فنناپذیر و قهرمان تکرار نشدنی آن آتاترک^۵ است.

^۱ همان منبع، ص ۵۴

^۲ احسان هوشمند، کردهای ترکیه، میراث برجا مانده، فصلنامه گفتگو، شماره ۵۹ اسفند ۱۳۹۰ ص ۴۳

^۳ برنارد لویس، گذار به دموکراسی در ترکیه، ترجمه آراز امین ناصری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۸-۲۳۷ ص ۴

^۴ احمد موثقی، انقلاب فرهنگی در ترکیه ۵۰-۱۹۲۰ مجله مطالعات خاورمیانه، سال ۱۳۷۹ شماره ۲۳ ص ۲۸۲

^۵ قانون اساسی جمهوری ترکیه با آخرین اصلاحات ۲۰۱۱، ترجمه امیررضا محمودی و محسن مسعودی نیا

قانون اساسی ترکیه به صراحت تاکید دارد که «تمامی تابعان به دولت ترکیه ترک محسوب می شوند»^۱ و «دولت ترکیه تمامیتی جدایی ناپذیر با کشور و ملتش است و زبانش ترکی است»^۲ این قانون به جز زبان ترکی، زبان مادری هیچ یک از قومیت های دیگر را به رسمیت نمی شناسد و آموزش چنین زبان هایی را با این بیان ممنوع ساخت است که؛ در مراکز آموزشی به اتباع ترک، جز زبان ترک، هیچ زبانی به عنوان زبان مادری آموزش داده نمی شود.^۳

برطبق قانون اساسی ترکیه سال ۱۹۸۲ اولین بند «تثبیت» که در جهت تنظیم یکپارچگی دولت غیرقابل تغییر است ماده ۳ است که بیان می دارد «حکومت ترکیه یک تمامیت غیرقابل تجزیه با کشور و ملت است و زبان رسمی باید ترکی باشد». دادگاه قانون اساسی ترکیه با تفسیر این ماده به مفهوم «ملت ترک» و «وحدت ملی» هرگونه تلاش برای تضعیف یکپارچگی دولت را خلاف قانون اساسی دانسته است. دادگاه قانون اساسی تصریح می کند که همه افراد ساکن در خاک ترکیه با هر منشاء قومی یک کل متحد را تشکیل داده اند و براین اساس جمهوری ترکیه از مجموع افرادی ساخته شده که «ملت ترک» نامیده می شوند و به اکثریت و اقلیت تقسیم نشده است. دادگاه قانون اساسی اشاره می کند که در قانون اساسی هیچ تمایز سیاسی یا قانونی بر اساس منشاء قومی یا نژادی بین شهروندان مطرح نشده است. این دکترین روشن نشان می دهد که هرگونه تلاش برای ایجاد «مردم کرد»، «ملت کرد»، «اقلیت کرد» خلاف قانون اساسی تلقی می شود.^۴

قانون اساسی ترکیه بر غیرقابل تقسیم بودن ملت ترک تاکید دارد، یعنی در آن اقلیت و اکثریتی وجود ندارد. این قانون همچنین بر نبود حقوق اقلیت ها اذعان دارد، در حالیکه حداقل ۴۵ درصد جمعیت ترکیه را اقلیت های قومی و مذهبی تشکیل می دهد، ۲۵ درصد کردها هستند که حقوق شان رعایت نمی شود و علویان نیز با داشتن ۱۷ درصد جمعیت ترکیه در قانون اساسی و عهدنامه لوزان به رسمیت شناخته نشده اند.^۵ هرچند در تعدادی از اصول قانون اساسی ترکیه، مساله حقوق اجتماعی اجتماعی همه مردم بدون درنظر گرفتن تفاوت های خاص از نظر مذهب، قومیت و نژاد اشاره گردیده ولی مواد زیادی از این قانون به مساله برتری قوم ترک در مقابل دیگر قومیت ها و توجه ویژه به قوم ترک اشارت دارد و همین امر باعث توجه ویژه حاکمان کشور ترکیه به قوم ترک به عنوان تنها قومیت شناخته شده در این کشور دارد.^۶

۲-۴ اقلیت قومی کرد در ترکیه

کردها جمعیتی قومی- زبانی هستند که در سرزمینی بهم پیوسته اما تقسیم شده، به ترتیب بیشترین جمعیت و وسعت سرزمینی میان چهار کشور ترکیه، ایران، عراق و سوریه به صورت اقلیتی بزرگ در این کشورها زندگی می کنند. کردها به استثنای ایران در کشورهای یاد شده، دومین قومیت و بزرگترین اقلیت قومی به شمار می آیند. کردها در ایران، از نظر شمار و زبان، پس از فارس ها و آذری، عنوان سومین قومیت پرشمار دارند. براساس برآوردهای منابع مختلف، بین ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت مردم ایران و سوریه، و ۲۰ تا ۲۵ درصد جمعیت ترکیه و عراق را گروه قومی کرد تشکیل می دهد و برطبق برآورد همین منابع جمعیت کل کردهای جهان بین ۳۵ تا ۴۵ میلیون نفر تخمین زده می شود.

کردها در ترکیه، در مناطق شرقی، جنوب شرقی و مرکزی کشور ساکن هستند و برطبق برخی برآوردها جمعیت ۲۵ استان این کشور را در نواحی آناتولی شرقی، مرکزی و جنوب شرقی به خود اختصاص داده اند. گروه بسیاری زیادی از کردهای ترکیه در

^۱ همان منبع، ماده ۶۶

^۲ همان منبع، ماده ۳

^۳ همان منبع، ماده ۴۲

^۴ IEVA VEZBERGAITE, Self-Determination of the Kurdish People: Undermining the Unity of the Turkish Nation?, IFF Working paper online No 9, July 2015, p 8-10

^۵ علی خرم، ترکیه و موازین حقوق بشر، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه گروه ترکیه شناسی، نشست شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳

^۶ سیدحسین خادمی، پایان نامه بررسی تطبیقی حقوق اجتماعی اقلیت های قومی در جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری ترکیه، استاد راهنما: سیدمحسن شیخ اسلامی، دانشگاه آزاد واحد مرودشت ۱۳۹۴

دیگر استان های مرکزی، شمالی و غربی همچون استانبول و دیگر کلان شهرهای ترکیه زندگی می کنند. روند بسیار گسترده مهاجرت در حوزه کردنشین یکی از دلایل گسترش جمعیت کرد در جای جای این کشور است.^۱

با مرور منابع مختلف به نظر می رسد تخمین جمعیت کردهای ترکیه، آسان نباشد. در این منابع جمعیت کردها را از ۱۱ میلیون تا ۲۲ میلیون و به عبارتی از ۱۵/۷ تا ۲۵ درصد جمعیت ترکیه برآورد شده است. در برخی آمارها «زازاها» که زبان نزدیک به کردی دارند لحاظ نشده و در برخی منابع دیگر شمرده شده اند. طبق اطلاعات موسسه آمار «ترک استات» که به روزترین و قابل اعتمادترین منبع به شمار می رود تا سال ۲۰۱۲، حدود ۲۲ میلیون کرد در ترکیه زندگی می کرده اند.^۲ اما برخی منابع دیگر، جمعیت کرد در ترکیه را بین ۲۲ تا ۲۵ میلیون نفر برآورد می کنند. مهاجرت کردها به علت توسعه نیافتگی و محرومیت شدید مناطق کردنشین باعث شده است که استانبول ۲/۵ میلیون کرد را در خود جای داده باشد و پرجمعیت ترین شهر کردنشین جهان نام بگیرد و آنکارا پایتخت ترکیه نیز جمعیت ۱/۴ میلیون نفری کرد را داراست. در حال حاضر نیمی از کردهای جهان در ترکیه ساکن هستند.^۳

در میان گروه های قومی موجود در ترکیه به چند دلیل جایگاه کردها اهمیت ویژه ای دارد. جمعیت بسیار زیاد کردها، به نحوی که پس از اکثریت ترک، کردها دومین گروه قومی پرجمعیت ترکیه محسوب می شوند، یکی از دلایل این اهمیت است. همچنین درگیری های قومی چند دهه ای در حوزه کردنشین ترکیه که تلفات بسیار سنگین انسانی و اقتصادی برجای گذارده، نیز از دیگر سو بر اهمیت این مناطق افزوده است.^۴

۲-۵ وضعیت حقوقی و قانونی اقلیت قومی کرد در ترکیه

مساله ی کرد از ابتدای بنای دولت و کشوری به نام ترکیه که در پی فروپاشی امپراتوری عثمانی پدید آمد، مطرح گردید. ابتدا در کنفرانس «سور» قرار شد برای کردهای عثمانی نیز قلمروی تعریف شود. طبق قراردادهای پس از ترک مخاصمه، مساله کردهای عثمانی سابق یعنی ترکیه و عراق و سوریه، مورد توجه محافل بین المللی و دولت های پیروز جنگ اول قرار گرفت و وعده هایی برای تاسیس یک کشور مستقل کرد در بقایای عثمانی سابق داده شد. و در مواد ۶۲ و ۶۳ پیمان سور به صراحت درباره حقوق کردها سخن به میان آمد.^۵ ولی با انعقاد قرارداد لوزان، مفاد مواد پیمان سور بی اثر شد و وعده های اعطای حقوق به کردها نیز به فراموشی سپرده شد.

اما در داخل کشور جدید ترکیه، مصطفی کمال رهبر ترک ها به دلیل وضعیت خاص ترکیه در مراحل نخست جنگ استقلال و درگیری نظامی با یونان، ابتدا با کردها پیمان بست و حقوق آنها را به رسمیت شناخت. اما به محض اتمام جنگ و به عقب راندن یونانی ها، برنامه های خود را برای نفی تفاوت های فرهنگی در ترکیه و ترک سازی شهروندان غیر ترک آغاز کرد. پس از آن دولت آتاترک سیاست های سخت و خشن علیه همه گروه های قومی و بویژه کردها درپیش گرفت. در قانون اساسی جدید، استفاده از زبان کردی در اماکن عمومی ممنوع شد. سیاست های فرهنگی و اجتماعی کم رنگ کردن هویت فرهنگی مردم کرد تا جایی پیش رفت که حتی استفاده از واژه کرد چه در گفتار و یا در نوشتار ممنوع و معادل تبلیغات جدایی خواهانه تروریستی تلقی شد. در مقابل واژه «ترک کوهی» رسم شد و برکردها اطلاق گردید و این واژه ناخوشایند تا سال ۱۹۹۱ در ادبیات رسمی استفاده می شد. در این دوران سخت حتی انجام پژوهش های علمی و آکادمیک در زمینه کردشناسی نیز جرم محسوب می شد و منع قانونی داشت.^۶ ادامه اینگونه سیاست های خشن منجر به ۴۵ مورد شورش اعتراضی و درگیری نظامی در

^۱ . احسان هوشمند، کردهای ترکیه میراث برجا مانده، فصلنامه گفتگو شماره ۵۹ ص ۴۴

^۲ . مریم امیری، کردهای ترکیه یک بستر دو رویا، روزنامه شرق، شماره ۱۷۹۳، یکشنبه ۴ مرداد ۱۳۹۲

^۳ . حسین احمدی نیاز، مهمترین چالش ترکیه معاصر، روزنامه شرق، شماره ۱۷۲۹ شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۲

^۴ . احسان هوشمند، کردهای ترکیه میراث برجا مانده، فصلنامه گفتگو شماره ۵۹ ص ۴۴

^۵ . همان منبع، ص ۴۵

^۶ . همان منبع ص ۴۵ و ۴۶

در مناطق کردنشین شد. به طوری که تنها در مدت ۱۴ سال و در فاصله سال های ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۸ بیش از ۱۷ وضعیت منتهی به جنگ و درگیری نظامی پیش آمده است. خشن ترین سرکوب های دولتی در سال های ۱۹۳۰، ۱۹۳۸ و ۱۹۵۸ رخ داد. در سال های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۸ میلیون ها کرد به زور از محل سکونتشان رانده شدند و هزاران روستا نابود شد. تا مدت استفاده از نام های کردی و به کار بردن زبان کردی حتی در مناطقی که صددرصد جمعیت کرد داشتند ممنوع بود و اسامی شهرها و روستاها و مناطق و موقعیت های جغرافیایی مناطق کردنشین از کردی به ترکی تغییر یافت. در طول سال های سرکوب خشن، تشکیل «جمهوری آزارات ۱۹۲۸» واکنشی از سوی کردها به کشتار و نابودی روستاهای کردنشین بود. جمهوری آزارات را روشنفکران کرد برپا کردند که البته بیش از دو سال دوام نیاورد. این جنبش در سال ۱۹۳۰ با عملیات گسترده و بسیار خشن ارتش و نیروی هوایی ترکیه سرکوب شد.^۱

نگاهی کلی به مجموع قیام ها و جنبش های کردها بیانگر این موضوع است که در هشتاد سال اخیر تغییر در مشی این جنبش ها بوجود آمده است. این جنبش ها در فاصله های ۱۹۲۰ تا دهه ۱۹۴۰ و اواخر دوران آتاترک، بیشتر یک نگرش یا تمایل در جهت خودمختاری داشتند. سه قیام مهم در این دوران با نام های جنبش شیخ سعید پیران، جنبش آزارات و قیام درسیم سربرآوردند که همگی سرکوب شدند. در دهه ۱۹۷۰ تلاش های کردگرایی پس از یک دوره سکوت دوباره آغاز می شود. اواخر دهه هفتاد است که حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) شکل می گیرد.^۲ پ.ک.ک تحت رهبری عبدالله اوجالان که فعالیت های خود را از سال ۱۹۷۸ با هدف کردستانی مستقل آغاز کرد، از سال ۱۹۸۴ دست به مبارزه مسلحانه ای زده است که تاکنون بیش از ۶۰ هزار تن تلفات و کشته از نیروهای کرد و نیروهای دولتی و نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر مجروح و معلول برجای گذاشته است.^۳ جنگ پ.ک.ک و دولت علاوه بر ویرانی های وسیع مناطق مسکونی و خسارات مالی و جانی وارده بر شهروندان، موجب آوارگی های گسترده و مهاجرت های اجباری مردم محلی مناطق جنگی شده و بنا به اعتراف مقامات دولتی در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار هزینه^۴ روی دست دولت گذاشته است، در واقع ارتش ترکیه بابت مبارزه با چریک های کرد سالانه چندین میلیارد را در بودجه دریافت می کند.^۵

آنچه پ.ک.ک و سایر گروه های مبارز کردی را واداشته تا چنین مبارزه طولانی و فرساینده ای را بر خود هموار کنند، ظلم و تبعیض سیستماتیک دولت مرکزی بر این مناطق است. میزان عقب افتادگی اقتصادی و متعاقب آن فقر و بیکاری در مناطق کردنشین ترکیه با هیچ جای دیگر این کشور قابل قیاس نیست.^۶

۲-۶ حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)

پ.ک.ک در محور جنبش دهه های اخیر کردها در ترکیه قرار گرفته است. این حزب که گروهی سیاسی- نظامی است که دولت ترکیه تعداد جنگجویان را فقط ۵ تا ۷ هزار نفر می داند، اما پ.ک.ک خود مدعی است که بالغ بر ۲۰ هزار گریلای مبارز دارد. حزب کارگران کردستان که در سال ۱۹۹۱ رهبر آن «اوجالان» دستگیر و زندانی شد، برای مدتی با رکودی نسبی در فعالیت ها مواجه بود، اما پس از چند سال تجدید حیاتی دوباره یافت. کارشناسان موقعیت سال های اخیر پ.ک.ک را اینگونه توصیف می کنند:

الف: گسترش دامنه اقدامات نظامی در جوار مرز سوریه و عراق و نیز عمق خاک ترکیه و قدرت نمایی عملیاتی

^۱ مریم امیری، کردهای ترکیه، یک بستر و دو رویا، روزنامه شرق شماره ۱۷۹۳ یکشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۲

^۲ مذاکرات صلح دولت ترکیه و کردها، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، موضوع نشست گروه ترکیه شناسی، ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

^۳ سیدعلی قائم مقامی، نگاهی به سیاست داخلی و خارجی ترکیه، ماهنامه دیپلماتیک، شماره ۶۳، شهریور ۱۳۹۱ ص ۱۳۰

^۴ کوچ اجباری، هفته نامه متن، شماره ۳۱، خرداد ۱۳۹۲، ص ۴۹

^۵ رحمن قهرمان پور، ترکیه قرن بیست و یکم، فرصت ها، چالش ها و تهدیدها، فصلنامه راهبرد، سال ۱۳۸۱، شماره ۲۶ ص ۴۴۸

^۶ مریم امیری، کردهای ترکیه، یک بستر و دو رویا، روزنامه شرق شماره ۱۷۹۳ یکشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۲

ب: کسب و تقویت امکان فعالیت سیاسی و داشتن تریبون های غیررسمی که در قالب فراکسیون نمایندگان کرد در پارلمان به عنوان سخنگوی پ.ک.ک عمل می کنند (از جمله این حزب ها می توان به کنگره جامعه دموکراتیک به رهبری احمد ترک و حزب صلح و دموکراسی تحت مسئولیت صلاح الدین دمیرتاش سلف حزب دموکراتیک خلق ها و نمایندگان منفرد کرد در پارلمان اشاره کرد).

ج: پیشگاهی در راه اندازی شبکه های ماهواره ای کردی و حضور فعال در فضای مجازی

د: شبکه سازی و ایجاد شاخه های حزبی موازی اما به ظاهر مستقل برای فعالیت در نواحی کردنشین دیگر کشورها.

ه: حفظ توازن و داشتن قدرت رقابت سیاسی، نظامی و رسانه ای در برابر دو حزب مهم و مسلط به حکومت اقلیم کردستان یعنی حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال الدین طالبانی که هر دو و بویژه مسعود بارزانی داعیه دار رهبری کردهای کل منطقه هستند.^۱

پ.ک.ک با مرکزیت بروکسل پایتخت اتحادیه اروپا، کنگره ملی کردستان (KNK) متشکل از گروه های کرد ترکیه، ایران، عراق و سوریه و افراد ساکن اروپا کنگره خلق را تاسیس کرده است. این حزب همچنین اتحادیه جوامع کردستان (KCK) را به ریاست مراد کارایلان با اهداف فرامرزی سازماندهی کرده است.^۲ پ.ک.ک خط مشی جدید خود را مبتنی بر تاسیس جامعه اکولوژیک، نظام خودمختاری دموکراتیک، مساوات جنسی در نظام خانوادگی و جامعه و سوسیالیسم واقع گرایانه نموده است.^۳

۲-۷ صلح موقت بین پ.ک.ک و ترکیه

سه دهه جنگ و نزاع حزب کارگران کردستان و دولت ترکیه در سال ۲۰۱۲ با توافق و شروط دو طرف به آتش بس و صلح موقت انجامید. طبق برنامه اعلامی مراحل صلح موردنظر اینطور فهرست شد: ۱. عقب نشینی و خروج نیروهای پ.ک.ک از خاک ترکیه ۲. تغییر قانون اساسی ترکیه و تامین زیرساخت های حقوقی لازم برای احقاق حقوق بر زمین مانده کردها ۳. عادی سازی فضای سیاسی، اجتماعی، امنیتی و امکان فعالیت سیاسی قانونی و آزاد برای تمامی فعالان سیاسی کرد.

صلاح الدین دمیرتاش رئیس حزب کردی صلح و دموکراسی در تشریح لزوم تغییر قانون اساسی ترکیه برای احقاق حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کردها در آن زمان گفته بود که آنکارا باید همه را در کشور «ترک» نداند و باید با افزایش اختیارات نهادهای محلی و تمرکززدایی، زمینه ای فراهم کند که کردها بتوانند در اداره امور سیاسی، اجرایی و فرهنگی استان های خود به تصمیم گیری بپردازند.^۴ کردها در باب مواد یک تا ۴ و به خصوص ۴۲ و ۶۶ قانون معترضند در این قالب آنها به اسم ترکیه به معنای محل اسکان ترک ها، ملی گرایی آتاترکی، مفهوم یک ملت و یک زبان، تاکید به تک زبانی بودن موضوع ماده ۴۲ و مهمتر از همه ۶۶ که برطبق آن هرکس در ترکیه زندگی می کند ترک است معترضند و خواهان تجدیدنظر اساسی در آنها هستند.^۵

یک استاد دانشگاه استانبول در ارزیابی از پروسه صلح و حل مساله کرد گفته بود: باید گفتمان ترور و تروریسم که دولت ترکیه با آن جنبش کرد را خطاب می دهد تغییر پیدا کند. باید مطالبات اداری، امنیتی و اقتصادی کردها را بپذیرد و نهایتاً به مسئله خلع سلاح بپردازد. رهبری جنبش کردها از سال ۱۹۹۴ به این نتیجه دست یافته است که جنگ مسلحانه مسئله ابزاری بوده و به حل مساله کرد منجر نمی شود. دولت ترکیه که وارد مذاکرات صلح شده باید مطالبات جنبش کرد را قبول کند. زبان کردی را به رسمیت بشناسند و قانون اساسی را تغییر دهد. این مسئله نخست است که نکات فرهنگی است اما نکته دوم این است که

^۱ . جعفر حق پناه، تحولات منطقه و نقش آفرینی حزب کارگران کردستان، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۴ مهر ۱۳۹۱ ص ۹۶

^۲ . سیدعلی قائم مقامی، نگاهی به تحولات داخلی ترکیه، ماهنامه دیپلماتیک شماره ۶۲ شهریور ۱۳۹۱ ص ۱۳۱

^۳ . همان منبع، ص ۱۳۱

^۴ . غلامرضا عسگری، جنگ و صلح، روزنامه اطلاعات، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۲

^۵ . سیامک بهرامی، حزب کارگران کردستان و چشم انداز صلح در ترکیه، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۲

جنبش کرد از سیستم سیاسی صحبت می کند که مبتنی بر وجود یک اتونومی دموکراتیک در بخش کردستان ترکیه است و این امر نیازمند وجود شرایط و تضمین هایی است که باید برای حکومت و کردها وجود داشته باشد.^۱

برنارد لوئیس می گوید: مساله کردها در سایه این واقعیت که سرزمین مادری کردها یعنی کردستان میان ترکیه، ایران، عراق و تا اندازه ای سوریه و جمهوری های قفقاز تقسیم شده است پیچیده تر می شود. در میان این کشورها، ترکیه بازتر بود و بنابراین نامنتظر نبود که نیروی اصلی جنبش کردها مصرف رویارویی با دولت ترکیه شود. دولت های محافظه کار این کشور برای رویارویی با جنبش ملی کردها سعی در انکار آن داشتند. از دید نظامیان جنبش کردها بیش از هر چیز یک مساله امنیتی بود و می بایست با این جنبش خشونت گرا و فتنه جو که هدف آن چیزی جز براندازی جمهوری ترکیه نیست، برخورد شود. گرچه در محافل سیاسی بویژه در دوران اوزال و جانشینان او گرایش روزافزون به برآورده کردن برخی از خواسته های فرهنگی، نه سیاسی کردها وجود داشت، اما استقلال یا خودمختاری یکسره پذیرفتنی نبود، کاربرد زبان کردی موضوع دیگری بود.^۲

همه دولت های ترکیه تاکنون کردها را به عنوان تهدید امنیت ملی خود محسوب کرده اند. مسعود ایلماز نخست وزیر پیشین ترکیه از حزب مام میهن با اینکه گفته بود، راه ترکیه به اتحادیه اروپا از دیار بکر «پایتخت سیاسی کردها» می گذرد، اما احزاب حاکم سابق به رغم پی به اهمیت مساله ی کردها، در سیاست خارجی ترکیه استراتژی درستی برای مدیریت آن نداشتند.^۳

برخی کارشناسان بر این نظرند که، برای یک اروپایی حقوق برابر اقلیت های قومی و مذهبی امری عادیست، حتی تشکیل دولت مستقل کردی چندان عجیب نیست، اما در مورد یک عثمانی، زمان زیادی لازم است تا تفکر وی در این مورد عوض شود.^۴

از آنجا که در ترکیه مشکل کردی ابتدا به صورت چالش اجتماعی، سپس چالش سیاسی و در نهایت چالش امنیتی نمایان شده است، ترک ها سه سیاست در قبال کردها را از ابتدا تاکنون در پی گرفته اند؛ نخست: سیاست حذف، ادغام و همانند سازی دوم: سرکوب فعالیت های جدایی خواهانه و قهرآمیز کردها و سوم: استفاده از متغیر کرد در سیاست و روابط با دیگر کشورها و همسایگان خود^۵، بطوریکه با سقوط رژیم عراق و در پی زمینه های مساعدی که برای ناسیونالیسم کردی در شمال عراق فراهم شده بود، ترکیه فعالیت های بیشتری را برای یافتن متحدان در ایران و سوریه پی گرفت و با بهبود روابط آنکارا با تهران و دمشق، این سه کشور در پی منافع مشترک شامل مهار ناسیونالیسم کردی و جلوگیری از ظهور دولت مستقل در مرزهایشان متحد شدند.^۶

در همان حال حزب عدالت و توسعه، حزب حاکم ۱۴ سال اخیر بر دولت ترکیه، با اجرای برخی سیاست های رفاهی در مناطق کردنشین و شناسایی برخی از حقوق کردها درصدد برآمده بود تا بحران کردی را در سیاست داخلی ترکیه تا حدی کاهش دهد^۷ به همین منظور دولت ترکیه از سال ۲۰۰۲ قوانینی را به نفع کردها به تصویب رساند از جمله تاسیس رادیو و تلویزیون کردی و آموزش زبان کردی به طور خصوصی، سال ۲۰۰۹ اسامی قبلی روستاها را به کردی برگرداند. سال ۲۰۱۰ کرسی زبان و ادبیات کردی در دانشگاه ماردین تاسیس شد و سال ۲۰۱۳ تصویب شد که زبان کردی در دادگاه ها در صورت لزوم می تواند استفاده شود.^۸

^۱ عباس ولی، رئیس دپارتمان جامعه شناسی دانشگاه بوغازیچی استانبول، گفتگو با روزنامه شرق، سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

^۲ برنارد لوئیس، گذار به دموکراسی، ترجمه آراز امین ناصری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۲۳۸-۲۳۷ ص ۴ تا ۲۶

^۳ علی امیری و فاطمه رضایی، عثمانی گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه، شاخص ها و پیامدهای آن در خاورمیانه، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰ ص ۲۴۳

^۴ رحمن قهرمان پور، ترکیه قرن بیست و یکم، فرصت ها، چالش ها و تهدیدها، فصلنامه راهبرد، سال ۱۳۸۱، شماره ۲۶ ص ۴۴۶

^۵ ریشه بحران قومی کردها در ترکیه، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، موضوع نشست گروه ترکیه شناسی ۱۵ آبان ۱۳۹۱

^۶ علی امیری و فاطمه رضایی، عثمانی گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه، شاخص ها و پیامدهای آن در خاورمیانه، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰ ص ۲۴۷

^۷ همان منبع، ص ۲۴۳

^۸ علی خرم، ترکیه و موازین حقوق بشر، مطالعات استراتژیک خاورمیانه، گروه ترکیه شناسی، نشست شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳

۲-۸ نقض حقوق بشر در مناطق کردنشین

در ترکیه اگرچه مجازات اعدام به شکل قانونی حذف شده است اما اعدام های فراقانونی، قتل های زنجیره ای، قتل های سیاسی، ناپدیدشدگی اجباری، وجود شکنجه های سیستماتیک و مرگ در بازداشتگاه ها از جمله چالش های عمده حقوق بشری در ترکیه و بویژه در حوزه های کردنشین این کشور است. نقض جمعی حقوق بشر به ویژه در مناطق شرق و جنوب شرقی ترکیه در دهه ۱۹۹۰ باعث قتل های زنجیره ای و ناپدیدشدگان اجباری شد. مرتکبین این قتل ها را نیروهای خودسر می گفتند که ناشناس بودند. این نیروهای خودسر تحت حمایت نیروهای امنیتی موجب قتل شهروندان می شدند که اکثراً افراد تحصیل کرده و متخصص بودند و افراد معمولی نبودند. براساس آمار اعلام شده تا سال ۲۰۰۹ حدود ۲۹۴۹ نفر در قتل های زنجیره ای توسط نیروهای خودسر و ۲۳۰۸ نفر در زندان ها با صحنه سازی به قتل رسیدند. سازمان های بین المللی حقوق بشری، سه دسته و گروه را برای سازمان امنیت ترکیه به عنوان نیروهای خودسر در مناطق کردنشین شناسایی کردند، شامل: ۱. تیم های ویژه ۲. گارد روستایی ۳. گروه حزب الله علاوه بر اینها از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۹ تعداد قابل توجهی از افراد بویژه در مناطق کردنشین آنتولیا دستگیر شده، به مقر پلیس برده می شدند، بعد از مدتی از آنها خبری دریافت نمی شد و پلیس دستگیری آنها را انکار می کرد.^۱ از سوی خانم لیلا زانا نماینده کرد پارلمان ترکیه از دیاربکر در کنفرانس «حقوق زنان و آزادی بیان در ترکیه» که از سوی کمیسیون مشترک نمایندگان ترکیه و اتحادیه اروپا برگزار شد، اعلام کرد بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ قتل زنان و جنایت علیه آنان هزاردرصد افزایش یافته است. زنان کرد به دلایل قومی و نژادی دچار مشکلات زیادی هستند، در جنایات خونین مناطق جنوبی شرقی ترکیه حدود ۱۷ هزار نفر قربانی قتل های مجهول الفاعل سیاسی هستند، چنانکه با نیش قبرهای دسته جمعی، استخوان های متعلق به قربانیان کشف شده است.^۲

پس از پایان آتش بس در مناطق جنوب شرقی ترکیه و پایان گفتگوهای پروسه صلح در ۱۷ شهرستان مقررات نظامی وضع شده و در نتیجه حکومت نظامی و درگیری میان نیروهای امنیتی و شبه نظامیان حزب کارگران کردستان (PKK) بیش از ۲۰۰ هزار نفر مجبور به ترک محل سکونت خود شده اند.^۳ سینکلر وب محقق ارشد در سازمان دیده بان حقوق بشر از دولت خواسته خواسته است بر نیروهای امنیتی کنترل داشته باشد و با اشاره به وضعیت وخامت بار مناطق کردنشین جنوب ترکیه گفته است، «گویا زمانی که عملیات نظامی نیروهای ترکیه علیه گروه های گردی مطرح است، نه قانون وجود دارد و نه محدودیت». سازمان دیده بان حقوق بشر اعلام کرده است در چند ماه اخیر بیش از یکصد زن و کودک و سالمند در جریان عملیات نظامی و برخوردهای مسلحانه میان نیروهای امنیتی و نیروهای مسلح کرد کشته شده اند و مردم عادی بر اثر درگیری در داخل شهرها به آب، غذا، برق و امکانات بهداشتی در زمان اعلام منع رفت و آمد دسترسی ندارند.^۴ همچنین کمیته رفع تبعیض نژادی ملل درباره تبعیض و نقض حقوق بشر کردها گفته است؛ «در زمینه نبرد علیه تروریسم اجرای قوانین ضد ترور و سیاست امنیتی به تبعیض نژادی علیه اعضای جامعه کرد زبان انجامیده است» و «این گونه قانون ها برای محدود کردن اعمال حق آزادی بیان، اجتماعات و تشکل ها وضع و اجرا شده و نتیجه آنها بازداشت و توقیف بی دلیل و تعقیب قضایی بی اساس کردها است، عده کثیری از کردها در فقیرترین و دورافتاده ترین استان ها در شرایط اقتصادی و اجتماعی نابسامانی زندگی می کنند. از این گذشته کودکان کرد دسترسی محدود به آموزش به ویژه به زبان مادری خود دارند».^۵

^۱ همان منبع

^۲ علی قائم مقامی، نگاهی به سیاست داخلی و خارجی ترکیه، ماهنامه دیپلماتیک، شماره ۶۲ شهریور ۱۳۹۱ ص ۱۳۱

^۳ علی خرم، ترکیه و موازین حقوق بشر، مطالعات استراتژیک خاورمیانه، گروه ترکیه شناسی، نشست شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳

^۴ سازمان دیده بان حقوق بشر، نقض حقوق بشر در مناطق کردنشین ترکیه، روزنامه الکترونیکی همدلی سال اول شماره ۲۱۴، دوم دی ۱۳۹۴

^۵ کمیته رفع تبعیض نژادی ملل متحد، هشدار درباره تبعیض و نقض حقوق بشر علیه کردها، تارنمای مهرنیوز، ۳۰۲۹۰۰۹

پایان آتش بس بین ترکیه و پ.ک.ک

مذاکرات دولت ترکیه با عبدالله اوجالان رهبر پ.ک.ک در زندان امرالی و دیگر رهبران این حزب که با وساطت نمایندگانی از حزب کردی صلح و دموکراسی در پارلمان آن کشور صورت می گرفت پس از روندی کند دو ساله سرانجام در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ متوقف شد. حزب عدالت و توسعه و دولت اردوغان که در انتخابات ۲۰۱۵ از دستیابی به اکثریت لازم برای تشکیل دولت غیرائتلافی بازمانده بود از پیروزی حزب نزدیک به کردها، حزب دموکراتیک خلق ها که به ۸۱ کرسی پارلمانی برای اولین بار دست یافته بود، ناخرسند بود. حزب مزبور و دولت اردوغان با تجدید انتخابات پس از انفجارهای تروریستی در شهر کردنشین سوروج و جاهای دیگر، با بهانه قرار دادن برخی تحریکات پ.ک.ک و برانگیختن احساسات ضدکردی و با هدف جذب آرای ملی گرایان ترک و کسب کرسی های بیشتر در دوره دوم انتخابات، به آتش بس و صلح موقت با پ.ک.ک پایان داد و در یک روز ده ها مرکز و پایگاه پ.ک.ک را در داخل کشور و شمال اقلیم کردستان از جمله در هفتانین، متین، زاب، آواشین، خواکورک و قندیل هدف حملات شدید هوایی و بمباران قرار داد و بدین ترتیب صلح موقت دو ساله فروپاشید.

پس از شکست آتش بس، جنگ و درگیری میان ارتش ترکیه و پ.ک.ک و خشونت و تنش به بسیاری از مناطق و شهرهای کردنشین کشیده شد و در بیش از ۱۷ شهر از جمله سور، سیلوی، جیزره و شیرناک اعلام حکومت نظامی شد. همزمان شهرداران ۱۵ شهر کردستان ترکیه اعلام خودمختاری کردند. ارتش و پلیس با حمله به ساختمان های شهرداری ها و کنترل آنها، شهرداران و همه افراد شرکت کننده در روند اعلام خودمختاری را بازداشت کردند.^۱ در حال حاضر جنگ و درگیری و خشونت در مناطق جنوب شرقی ترکیه و بمباران مراکز گروه های کرد توسط ارتش و نیروی هوایی آن کشور در جریان است و دولت ترکیه مدعی است طی حملات اخیرش به پ.ک.ک بیش از ۳۵۰۰ نفر از جنگجویان این گروه را از پای درآورده است.

۳- جمع بندی

در جمع بندی گزاره های ارائه شده در این نوشتار و با ارزیابی عوامل اصلی نقض حقوق اقلیت های قومی، زبانی، نژادی و مذهبی، بویژه نقض حقوق اقلیت بزرگ قومی کرد و نقض حقوق بشر در ترکیه، می توان این فرضیه را استخراج نمود که یک راه حل حقوقی- سیاسی می تواند به حل مساله کرد در ترکیه کمک کند. تعامل و مذاکره برای بررسی چگونگی توافق جهت رفع و هموار ساختن چالش های حقوقی در قانون اساسی آن کشور و اصلاح اصول فکری حاکم بر روح این قانون که منبع و منشاء اغلب بحران های سیاسی، اجتماعی، نظامی و امنیتی داخلی و نقض ده ها ساله حقوق اقلیت ها از جمله اقلیت قومی کرد در این کشور بوده است. می تواند با بازنگری در این قانون و ایجاد تغییرات اصولی و اساسی در موارد و اصول ناقض حقوق اقلیت ها و با هدف رسمیت بخشیدن به اقوام و اقلیت ها و حقوق آنها در قانون اساسی و با امعان نظر به روح منشور حقوق بین الملل و رعایت حقوق بین الملل مرتبط با حقوق اقلیت ها گامی اساسی و مسالمت آمیز برای حل مساله لاینحل اقلیت کرد در آن کشور بردارد.

فهرست منابع :

۱. ذوالعین، نادر، «حمایت از حقوق اقلیت ها در حقوق بین الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۴۳۷ تا ۴۶۱
۲. شریفی طرازکوهی، حسین؛ قره باغی، عبدالله، «تحلیل قاعده منع تبعیض نسبت به اقلیت ها در حقوق بین الملل»، مجله حقوقی بین المللی، مرکز امور بین الملل ریاست جمهوری، سال ۲۷، شماره ۴۲، سال ۱۳۸۹، ص ۳۱ تا ۶۳
۳. هوشمند، احسان، «کردهای ترکیه، میراث برج مانده» فصلنامه گفتگو، شماره ۵۹، اسفند ۱۳۹۰، ص ۴۳ تا ۵۴

^۱ . اعلام خودمختاری در ۱۵ شهر ترکیه، روزنامه قدس، شماره ۷۹۳۱، یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۴

۴. لوییس، برنارد، «گذار به دموکراسی در ترکیه»، ترجمه آراز امین ناصری، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۸-۲۳۷، تیر ۸۶، ص ۴ تا ۲۳
۵. موثقی، احمد، «انقلاب فرهنگی در ترکیه ۵۰-۱۹۲۰»، مجله مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۳، سال ۱۳۷۹، ص ۲۸۰ تا ۲۹۲
۶. قائم مقامی، علی، «نگاهی به سیاست داخلی و خارجی ترکیه»، ماهنامه دیپلماتیک، شماره ۶۲، شهریور ۱۳۹۱، ص ۱۲۹ تا ۱۴۰
۷. امیری، علی؛ رضایی، فاطمه، «عثمانی گرای جدید در سیاست خارجی ترکیه، شاخص ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۰، ص ۲۳۱ تا ۲۶۸
۸. قهرمان پور، رحمن، «ترکیه قرن بیست و یکم، فرصت ها، چالش ها و تهدیدها»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶، سال ۱۳۸۱، ص ۴۴۲ تا ۴۵۲
۹. حق پناه، جعفر، «تحولات منطقه و نقش آفرینی حزب کارگران کردستان»، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۴ مهر ۱۳۹۱ ص ۹۶
۱۰. احمدی نیاز، حسین، «مهمترین چالش ترکیه معاصر»، روزنامه شرق، شماره ۱۷۲۹، شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۲
۱۱. امیری، مریم، «کردهای ترکیه، یک بستر و دو رویا»، روزنامه شرق شماره ۱۷۹۳ یکشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۲
۱۲. ولی، عباس، رئیس دپارتمان جامعه شناسی دانشگاه بوغازیچی استانبول، گفتگو با روزنامه شرق، سه شنبه ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴
۱۳. اعلام خودمختاری در ۱۵شهر ترکیه، روزنامه قدس، شماره ۷۹۳۱، یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۴
۱۴. عسگری، غلامرضا، «جنگ و صلح»، روزنامه اطلاعات، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۲
۱۵. بهرامی، سیامک، «حزب کارگران کردستان و چشم انداز صلح در ترکیه»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۲
۱۶. «مذاکرات صلح دولت ترکیه و کردها»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، موضوع نشست گروه ترکیه شناسی، ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲
۱۷. خرم، علی، «ترکیه و موازین حقوق بشر»، نشست شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه گروه ترکیه شناسی
۱۸. «ریشه بحران قومی کردها در ترکیه»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، موضوع نشست گروه ترکیه شناسی ۱۵ آبان ۱۳۹۱
۱۹. «قانون اساسی جمهوری ترکیه با آخرین اصلاحات ۲۰۱۱»، مترجمین: محمودی، امیر رضا؛ مسعودی نیا، محسن
۲۰. «کوچ اجباری»، هفته نامه متن، شماره ۳۱، خرداد ۱۳۹۲، ص ۴۹
۲۱. خادمی، سیدحسین، پایان نامه «بررسی تطبیقی حقوق اجتماعی اقلیت های قومی در جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری ترکیه»، استاد راهنما: سیدمحسن شیخ اسلامی، دانشگاه آزاد واحد مرودشت ۱۳۹۴
۲۲. کرمی، موسی، پایان نامه «حمایت از حقوق فرهنگی اقلیت های قومی در حقوق بین الملل؛ با تاکید بر کردها در ترکیه»، استاد راهنما: مصطفی فضائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه قم ۱۳۹۳
۲۳. سازمان دیده بان حقوق بشر، «نقض حقوق بشر در مناطق کردنشین ترکیه»، روزنامه الکترونیکی همدلی سال اول شماره ۲۱۴، دوم دی ۱۳۹۴
۲۴. کمیته رفع تبعیض نژادی ملل متحد، هشدار درباره تبعیض و نقض حقوق بشر علیه کردها، تارنمای مهربنوز، ۳۰۲۹۰۰۹

25. IEVA VEZBERGAITE, »Self-Determination of the Kurdish People: Undermining the Unity of the Turkish Nation?«, IFF Working paper online No 9, July 2015, p 8-10
26. Library Briefing, »Progress on the situation of Kurds in Turkey? « Library of the European Parliament,31/03/2013
27. [www.al-akhbar.com/node/7685/Turkey: Kurds And The Constitution](http://www.al-akhbar.com/node/7685/Turkey:KurdsAndTheConstitution)
28. <http://carnegieendowment.org/2011/08/01/turkish-constitution-and-kurdish-question/4eog>
29. https://en.wikipedia.org/wiki/Constitution_of_Turkey
30. http://www.radiogoftogoo.ir/content/-/asset_publisher/KTbZ4oDAIJW1/content/id/612264
31. <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1935017/>